

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۳ اکتوبر ۲۰۱۷

مادر سهیل عربی:

«روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح برای دادخواهی به مجلس مراجعه می‌کنم»!

از چند روز پیش فراخوان مادر دردمند و رنج‌دیده سهیل عربی، زندانی سیاسی در حال اعتصاب غذای خشک در زندان اوین، در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود؛ وی اعلام کرده بود که از صبح روز دوشنبه دهم مهر ماه، به مقابل مجلس شورای اسلامی خواهد رفت و درخواست کرده بود تا مردم آزاده وی را همراهی کنند.

در پی این فراخوان، از صبح امروز دوشنبه دهم مهر ۱۳۹۶ برابر با دوم اکتبر ۲۰۱۷، مادر سهیل و نزدیکان وی در مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران تجمع کرده‌اند. اما آن‌ها تنها نیستند و جمعی از فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و خانواده‌های زندانیان سیاسی در حمایت از زندانیان سیاسی و به‌طور خاص زندانی سیاسی سهیل عربی در این تجمع مقابل مجلس حضور دارند. خواسته تجمع کنندگان آزادی سهیل عربی است.

در هفته‌های گذشته، چندین تجمع اعتراضی در دفاع از زندانیان اعتصابی و مشخصاً رضا شهابی، از جمله در مقابل مجلس برگزار شده بود که ربابه، همسر رضا شهابی فراخوان داده بود.

سهیل عربی سال ۱۳۹۳، به اتهام «سب‌النبی» به مرگ محکوم شده بود اما به دنبال تلاش‌های خانواده و وکیلان او و دخالت نهادهای بین‌المللی، روز شنبه ششم تیر ماه ۹۴ پرونده او در شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور بررسی و مجازات اعدامش لغو شد.

سهیل عربی، عکاس و فعال سایبری، در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۴، به هفت سال و نیم حبس محکوم شد. دو سال از این حکم جنجالی برای «اثبات پشیمانی و تغییر در رفتار» است تا مجازات اعدامش لغو شود.

بر اساس آخرین حکم صادر شده برای این زندانی سیاسی، سهیل باید در دو سال، ۱۳ کتاب در حوزه‌های دین‌شناسی، مذهب‌شناسی و رفع شبهات دینی بخواند، از هر کتاب پنج تا ۱۰ صفحه خلاصه تهیه کند، با موسسه «در راه حق» و پژوهشکده «امام خمینی» نام‌نگاری کند، پاسخ شبهه‌های خود را بگیرد و هر سه ماه یکبار، گزارشی از تحقیقات خود به دادگاه ارائه دهد.

عربی که در بند هفت زندان اوین محبوس است، جمعه هفتم مهر و پس از ۳۷ روز اعتصاب غذای تر و خشک، نامه‌ای نوشتاری و صوتی منتشر کرد و در آن خطاب به مسؤلان گفت که «اکنون در یک قدمی مرگ هستم»

عربی، نهم مرداد ماه نیز در اعتراض به بازداشت نسترن نعیمی، همسرش دست به اعتصاب غذا زد و با آزادی مشروط او این اعتصاب را پایان داد. اما پس از تهدید دوباره نسترن نعیمی، اعتصاب غذای جدیدی را از دوم شهریور شروع کرد.

او اول مهرماه اعتصاب غذای خشک خود را پس از ۳۰ روز اعتصاب غذای تر آغاز کرد. خواسته او اکنون آزادی است.

سهیل عربی زندانی سیاسی، در سی و هشتمین روز اعتصاب غذای خود نامه‌ای خطاب به همسر خود نوشته و با زندگی «بدرود» گفت. در همین حال مادر او در متنی که خطاب به افکار عمومی منتشر کرده اعلام کرده دوشنبه برای دادخواهی مقابل مجلس می‌رود و تقاضای همپاری کرده است.

روشن است که تشکل‌های کارگری، نهادهای مدنی، نویسندگان، فعالین کارگری، دانشجویی، زنان و همه انسان‌های آزاده مادر و همسر و فرزند سهیل عربی را تنها نگذارند و با اعتراض پیگیر خود اجازه ندهند که وی در زندان مانند شاهرخ زمانی، ستار بهشتی و... جان ببازد! در این میان جا دارد که شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه که در این دوره برای شکستن اعتصاب غذای رضا شهابی و در حمایت از وی، فعالیت‌ها و حرکت‌های ارزنده‌ای را برگزار کرده است اکنون نیز برای آزادی رضا شهابی و سهیل عربی و ارژنگ داوودی و دیگر زندانیان سیاسی و اجتماعی، به این حرکت‌های موثر اعتراضی خود ادامه دهد.



خطاب سهیل عربی از زندان اوین به نسترن شریک زندگی‌اش و دختر دلبندها:

بدرود زندگی

نسترنم باور کن هر آنچه لازم بود را انجام دادم که بازگردم و زندگی مان را از نو بسازیم اما...

به روزانا بگو پدر به جرم اندیشیدن و روشنگری جان سپرد.

عاشقتان بودم اکنون که وصیت نامه مینویسم و ثروتی برای بخشیدن ندارم از رویتان شرمسارم مرا ببخشید که تنهائیتان می‌گذارم ۱۳۸۸ روز محبوس بودم به خصوص این ۸ روز آخر بسیار دشوار بود.

اما شب‌های طاقت‌فرسا را به این امید به روز رسانده‌ام که وجدان قاضی‌ها و بازجوها بیدار شود که اگر بیدار می‌شد مرا تبرئه می‌کردند و خلافکارها و مجرمین واقعی را به زندان می‌انداختند و می‌گذاشتند دوباره در کنار هم زندگی کنیم، برای روزانا قصه بگویم و تو را در آغوش بگیرم. دیگر تحمل این همه ظلم را ندارم، از این تنها جنگیدن و فریاد زدن

خسته شدم، هیچکس نیست که مرا یاری دهد تا فریادی بر سر ظالمین شویم. سهیلی که در قفس باشد و نتواند کار کند با یک مرده تفاوتی ندارد.

من رفتم اما شک ندارم روزی از شر ظالمین رها می‌شویم، پرونده مرا می‌خوانید و ایمان می‌آورید که حتی یک روز زندان بودن حق من نبود.

روزی فرا می‌رسد که قضات و با بازجوهای خود فروخته محاکمه می‌شوند و سرزمین‌مان دیگر توسط پیشانی‌های ریاکار اداره نمی‌شوند.

خطاب به مسئولین: اکنون در یک قدمی مرگ هشتم قند ۵۰ فشار ۵ روی ۶ وزن ۶۶ خونریزی معده و...

به خواسته‌های قانونی‌ام توجهی نکردید، دست کم آخرین خواسته‌ام را که برای پس از مرگ است انجام دهید مرا در بند ۳۵۰ اوین اتاق یک دفن کنید بزودی این‌جا تبدیل به موزه خواهد شد و روزانها با افتخار از ما یاد خواهند کرد.

خطاب به آن‌ها که دوستشان دارم در سال مرگم اشک نریزید ترانه اریتپیان را به یادم گوش دهید.

هرگز اجازه ندهید شخص دیگر را به جرم داشتن عقاید متفاوت شکنجه دهند. (صدای دادخواهی سهیل غربی از زندان

اوین: <https://youtu.be/NifColypY02>)



دادخواهی مادر سهیل عربی

مادر سهیل عربی: دوشنبه برای دادخواهی جلوی مجلس می‌روم، تنه‌ایم نگذارید!

من فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی

هموطنان غیور ایرانیان آزاده، من فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی با قلبی که دیگر امیدی برای زنده ماندن و تطهیر ندارد دست یاری و کمک به سوی شما دراز می‌کنم که صدای دادخواهی پسر بی‌گناه من از پشت میله‌های زندان باشید.

عزیزانم برادر شما ۴ سال است به ناحق در زندان است. تنها جرم سهیل ابراز عقیده‌اش در صفحه شخصی خود و نه هیچ رسانه دیگری، است. ما مرتب از رادیوها و تلویزیون‌های ایران می‌شنویم که ملت آزادی هستیم و می‌توانیم عقیده خود را ابراز کنیم اما پسر من ۴ سال است به جرم چند جمله ساده، توجه کنید چند جمله ساده نه توهین و فحاشی، در زندان است. ۴ سال است تنها پسر من به هیچ جرمی محاکمه می‌شود، شکنجه‌اش می‌کنند، حکم اعدامش می‌دهند و خانواده‌اش را از این آزارها مستثنی نمی‌کنند. سهیل نه از دیوار کسی بالا رفته، نه مال کسی را به ناحق گرفته، نه به زن و فرزند کسی چشم ناپاک داشته نه فساد و جنایتی مرتکب شده... مانع رسیدن فرزندش به آغوش مادرش می‌شوند مادری که با قلبی پاره پاره ۴ سال است در آرزوی به آغوش کشیدن و بونیدن تن تنها پسرش است. مانع رسیدن پدری به تنها دخترش می‌شوند که ۴ سال است حسرت نشان دادن دست مشق‌هایش به پدر به دلش مانده، از همه شما عاجزانه

تقاضا دارم صدای مظلومیت پسر بی‌گناه من باشید که در یک قدمی مرگ است. من با سه بار سگته و قلبی که یک بار جراحی شده دیگر امیدی به زنده ماندن ندارم و تنها آرزوی من در این دنیا این است که پیش از مرگ یک بار دیگر فرزندم را به آغوش بکشم و او را در کنار خانواده‌اش در کنار همسر و دخترش ببینم. دستم به جایی بند نیست و تنها راهی که می‌شناسم این است که روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح برای دادخواهی به مجلس مراجعه کنم. تنها تقاضای من از شما مردم غیور ایران به‌عنوان مادری که همه چیزش را از دست داده این است که سهیل مرا تنها نگذارید! (لینک صدای دادخواهی مادر سهیل عربی: <https://youtu.be/DoUqYhU9RI2>)

سهیل عربی، که از روز دوم شهریور در اعتراض به «پرونده سازی و آزار و اذیت سپاه علیه او و خانواده‌اش» دست به اعتصاب غذا زده است، در پرونده‌ای جدید از سوی دادسرای اوین، به تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات و رهبری متهم شده که در صورت اثبات می‌تواند تا هفت سال و نیم به محکومیت کنونی‌اش اضافه کند.

سهیل عربی آبان ماه ۱۳۹۲، از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، نهاد امنیتی موازی وزارت اطلاعات در ایران بازداشت و ابتدا به اتهام سب النبی (دشنام به پیامبر اسلام) به اعدام محکوم شد ولی با اطلاع رسانی و تلاش خانواده و وکلا، حکم اعدام او در دیوان عالی کشور لغو شد. همسر و وکلای سهیل عربی، از تعدادی از وبسایت‌های نزدیک به سپاه پاسداران به دلیل توهین و بستن اتهامات دروغین به سهیل عربی شکایت کرده‌اند، شکایتی که اگر چه رسیدگی نشد ولی خشم سازمان اطلاعات سپاه پاسداران را برانگیخت و به بازداشت همسر سهیل عربی منجر شد.

سهیل عربی در چهار سال گذشته، به دلیل زندانی بودن، تنها توانسته است دختر ده ساله‌اش را در سالن ملاقات ببیند، او در نامه اعلام اعتصاب غذایی از زندان اوین با اشاره به این محرومیت نوشت تا تبرئه همسر و مادر همسرش به اعتصاب غذای خود ادامه خواهد داد: «چهار جشن تولدم را پشت میله‌های زندان گذراندم، دخترم چهار سال است که تمام خاطراتش با من در سالن ملاقات اوین است، تمام ظلم‌هایی که در حق من شد را بخشیدم اما هرگز نمی‌توانم در برابر آزارهای مضاعف و ناحقی که به خانواده‌ام می‌کنید سکوت کنم. اعتصاب غذا می‌کنم و خواسته‌ام تبرئه مادر همسر و همسر، عزیزترینم نستر نعیمی ست.»

با تلاش وکلا و خانواده سهیل عربی و رسانه‌های شدن پرونده، درخواست اعاده دادرسی سهیل عربی از سوی دیوان عالی کشور پذیرفته شد و شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور حکم اعدام را لغو کرد و پرونده را برای رسیدگی مجدد به یکی از دادگاه‌های بدوی فرستاد. این دادگاه در رسیدگی مجدد اتهام ساب النبی (دشنام به پیامبر) را حذف کرد و عربی را به هفت سال و نیم زندان و دو سال تحقیقات مذهبی (برای اثبات پشیمانی) و دو سال ممنوع الخروجی پس از آزادی محکوم کرد.

سهیل عربی، همچنین در اردیبهشت ۱۳۹۳، به اتهام توهین به رئیس دانشگاه علامه طباطبائی، آیت‌الله جنتی و حداد عادل از طریق نوشته‌هایش در فیس‌بوک در شعبه ۱۰ دادگاه ویژه کارکنان دولت به ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد. وی همچنین در شهریور ۱۳۹۳، به اتهام توهین به علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب و تبلیغ علیه نظام در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به ۳ سال حبس محکوم شد که این حکم نیز به فاصله کوتاهی در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر تأیید شد و با وجود پیگیری وکلا و خانواده، این پرونده‌ها هنوز با هم ادغام و جمع نشده است.

سهیل، در نامه‌ای از زندان اوین نوشته است که با گذشت سه هفته از اعتصاب غذا، مقامات قضائی نه تنها توجهی به مطالبات او نشان نداده‌اند، بلکه بازجویان اطلاعات سپاه پاسداران در ادامه آزار و اذیت او و خانواده‌اش، با اعمال فشار و تهدید کارفرما، باعث اخراج همسرش از محل کار شده‌اند.

سهیل عربی در نامه‌ای که روز بیست و سوم شهریور از زندان اوین ارسال کرده، با اعلام ادامه رفتارهای غیرقانونی بازجویان اطلاعات سپاه پاسداران در قبال او و خانواده‌اش نوشته است که این نهاد امنیتی با تماس تلفنی تهدیدآمیز، کارفرما را وادار به اخراج همسرش کرده است.

سهیل عربی، نوشته است که بازجویان سپاه ارتباط او با سایر زندانیان را نیز با برچسب «ارتباط با زندانی امنیتی» به تهدیدی برای آنان تبدیل کرده است. عربی در بخشی از نامه‌اش نوشت: «همسر من از کارش به خاطر من اخراج شده، حدود ده روزی هست که اخراج شده، تهدیدشان کرده‌اند با همسر من کار نکنند، خودم در زندان به چند زندانی زبان تدریس می‌کردم و اندک درآمدی داشتم به زندانیان گفتند با او صحبت نکنید چون یک زندانی امنیتی است و برایتان دردسر می‌شود.»

این زندانی سیاسی که به‌دلیل انتشار مطالب انتقادی در فیس‌بوک بازداشت و زندانی شده، با اشاره به رفتارهای غیرقانونی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، نوشته است «باید به حال نظامی گریست که امنیتش با چند مقاله انتقادی به خطر می‌افتد و در آن قدرت یک بازجو حتی از دادستان و رهبر هم بیشتر است.»

مأموران امنیتی خطاب به سهیل عربی: «اگر در ایام محرم بمیری برای نظام هزینه‌بر است.»

یکی از نیروهای امنیتی روز جاری در ملاقات با سهیل عربی از او خواسته که برای مصلحت نظام به اعتصابش پایان دهد. بنا به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، امروز هشتم مهرماه یک مقام اطلاعاتی به دیدار سهیل عربی در بند هفت زندان اوین رفته و ضمن درخواست برای شکستن اعتصابش به او گفته است اگر در ایام محرم بمیرد «برای نظام هزینه‌بر است.»

سهیل عربی، در سی و هشتمین روز از اعتصاب غذا با خونریزی معده و کلیه، افت فشار خون و قند مواجه است و در وضعیت وخیمی به‌سر می‌برد اما بهداری زندان با امتناع از اعلام ارسال گزارش در خصوص وضعیت وخیم جسمانی سهیل عربی موجب گشته که پزشکی قانونی نیز دستوری برای اعزام این زندانی سیاسی به بیمارستان صادر نکند. سازمان عفو بین‌الملل نیز روز گذشته نسبت به وضعیت سهیل عربی ابراز نگرانی کرد و خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط و دسترسی او به مراقبت‌های کامل پزشکی شد.

سهیل عربی پس از یک ماه اعتصاب غذای تر در اعتراض به فشارهای نیروهای امنیتی بر خود و خانواده‌اش و پرونده‌سازی‌های صورت گرفته، در اول مهرماه اعلام اعتصاب غذای خشک کرد. وی در دیدار با مسؤولان گفته است که تا تبرئه همسرش دست از اعتصاب نخواهد کشید.

چندی پیش نیز سهیل عربی در دل‌نوشته‌ای از اخراج همسرش از محیط کار و شرایط نابسامانان خانواده‌اش خبر داده بود.

لازم به یادآوری است؛ نسترن نعیمی، همسر سهیل عربی، در مردادماه سال جاری به مدت هشت روز در بازداشت نیروهای امنیتی به‌سر برد و پس از آن نیز مکرراً طی تماس‌های تلفنی او را تهدید کردند که اطلاع‌رسانی درباره پرونده اتهامات مطروحه برای این خانواده را سنگین‌تر خواهد کرد.

در پی بازداشت نسترن نعیمی از سوی نیروهای سپاه، این زندانی سیاسی اعلام اعتصاب غذا کرد و او نیز از سوی مسؤولان زندان به بند دو-الف منتقل گردید. وی در حالی که در اعتصاب غذا به سر می‌برد، در بند دو-الف از سوی مأموران بازجوئی، تحت انواع شکنجه و ضرب و شتم از ناحیه سروصورت قرار گرفته است.

این زندانی بند هفت، با وجود سرگیجه، سردرد شدید حالت تهوع و مشکلات بینائی بر اثر ضرب و شتم از رسیدگی درمانی مناسب در زندان محروم مانده است.

سهیل عربی، زندانی سیاسی، در دی‌ماه ۱۳۹۲، با اعلام جرم قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر و به مدت دو ماه در بند سپاه در زندان اوین تحت بازجوئی و فشار قرار گرفت. او تاکنون در دادگاه‌های متعددی به دلیل محتوای مطالب منتشرشده در صفحه فیس‌بوک خود و سایر صفحاتی که به همراه دیگران، ادمین(سرپرست) آن‌ها بوده، محاکمه شده است.

بیکاری و گرانی و تورم، نارضایتی عمومی در میان اقشار مختلف مردم، به‌ویژه مزدبگیران و بیکاران بالا گرفته است. حکومت اسلامی جهل و جنایت و ترور، برای جلوگیری از رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری، احتمالی، تهدید و سرکوب و اعدام را در تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گسترش داده و فعالان کارگری، دانشجویی، زنان و معلمان را تهدید، دستگیر، شکنجه و زندانی می‌کند. این سرکوب‌ها در زندان‌ها نیز بیش از گذشته تشدید شده است و فشار بر روی زندانیان سیاسی به مرحله غیرقابل تحملی رسیده است. جانپان حاکم بر جامعه ایران، حتا در عرصه مطبوعات، روزنامه‌ها و نشریات خودی‌هایشان را نیز هم تحمل نمی‌کنند. به عبارت دیگر، پس از نمایش اخیر انتخابات ریاست جمهوری، به‌نظر می‌رسد که تمامی جناح‌ها بار دیگر دست به دست هم داده‌اند تا بلکه کشتی سوراخ شده حاکمیت‌شان را از غرق‌شدن نجات دهند. اما دیگر دیر شده است و روزی نیست که اعتراضات از کردستان تا اراک، از مردم آزاده تا کارگران، زنان تا خانواده‌های زندانیان سیاسی، از معلمان تا بازنشستگان و غیره دست به اعتراض زنند و به‌طور جدی‌تر حق و حقوق خود را مطالبه نکنند. سانسور نیز در ابعاد وسیعی تشدید شده است. هزاران سایت اینترنتی مسدود و نویسندگان آن‌ها، روزنامه‌نگاران و هنرمندان دستگیر و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

حکومتی که یک کارنامه سیاه ۴۰ ساله را زیر بغلش دارد نه اصلاح‌پذیر است و نه می‌تواند مدتی طولانی دوام بیاورد. جانپان ریز و درشت و ارگان‌های سیاسی و نظامی و امنیتی و همه و همه، آن‌قدر جنایات کرده‌اند که دیگر قابل پرده‌پوشی نیست. اکنون توده‌های مردم ایران به این مسأله آگاهند که تنها راه باقی‌مانده برایشان تشدید مبارزه هدفمند و متشکل و متحد و در پیشاپیش همه تقویت جنبش ضدسرمایه‌داری و سوسیالیستی جنبش کارگری و هم چنین در همه سطوح جامعه، با هدف برچیدن بساط خونین و متعفن کلیت این حکومت جانی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر خودگردان و کمونی توسط خود مردم آزاده است. از این‌رو، برای تغییر وضعیت غیرانسانی کنونی و برپائی یک جامعه نوین خودآگاه و خودگران، با روش‌ها و گرایش‌های سنتی و لاکپشتی و جایگزین کردن قدرت دولتی با قدرت دولتی، ممکن نیست از این‌رو، تغییر وضعیت موجود، به‌یک جنبش نوین ضدسرمایه‌داری پیگیر در تمام سطوح جامعه نیاز دارد!

در چنین شرایطی، بی‌تردید خود سهیل و دیگر زندانیان اعتصابی، بهتر از هر کس دیگری می‌داند که اکنون به‌نظر می‌رسد قوه قضائیه و مسؤولان زندان‌های حکومت اسلامی، آن‌چنان زندانیان سیاسی را زیر شکنجه‌ها و فشارهای روحی و جسمی عیدیه‌ای قرار داده‌اند تا زندانی ناچار شود با آخرین حربه خود، یعنی با اعتصاب غذای تر و نهایت

اعتصاب غذای خشک وارد مبارزه شود در حالی که خود اعتصاب‌کننده به خوبی می‌داند این مبارزه ضربات غیرقابل جبرانی به جسم و جان و روان او وارد می‌سازد و احتمالاً به مرگش منجر خواهد شد. بنابراین، جا دارد که سهیل عزیز مان و دیگر زندانیان سیاسی، اعتصاب غذای خود را بشکنند. چرا که اولاً خانواده آن‌ها به وجود آن‌ها نیاز دارند. دوماً، جامعه و پیکار حال و آینده ما، به چهره‌هائی چون رضا، سهیل، ارژنگ، زینب جلالی و آتنا و صدها و هزاران زندانی زن و مرد، پیر و جوان سیاسی و اجتماعی در سراسر ایران نیاز دارد. سوماً، اکنون صدای دادخواهی این عزیزان، به گوش جهانیان هم رسیده و یک جنبش اعتراضی قوی در داخل و خارج کشور راه افتاده است و این جنبش روزبه‌روز نیز گسترده‌تر و قوی‌تر می‌گردد. چرا که تنها با مبارزه پیگیر و متحد و متشکل و هدفمند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و همه نهادهای مدنی و فرهنگی مستقل و مردم آزاده ایران و حامیان بین‌المللی آن‌ها می‌توان از جمله در زندان‌ها را باز کرد و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی را از قفس رها کرد و برای ساختن یک جامعه شایسته انسانی، گام‌های ماندگار و بلندتر برداشت!

دوشنبه دهم مهر [میزان] ۱۳۹۶ – دوم اکتوبر ۲۰۱۷